

لا إله إلا الله



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان

بازتاب گفتار و کردار مشایخ صوفیه در مثنوی و آثار منثور مولانا

نگارنده:

مرجان نوروزی

استاد راهنما

دکتر قدرت اله طاهری

استاد مشاور

دکتر ناصر نیکوبخت

شهریور ۱۳۸۸

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس
مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها
که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است
اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های
علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است،
موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد
ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در
مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو
مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و
دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از
پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه
(حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از
دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی
صادر از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و
بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه می
باشد، باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ
۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به
تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته زبان و ادبیات فارسی است که در سال ۱۳۸۸ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر قدرت اله طاهری، مشاوره جناب آقای دکتر ناصر نیکویخت از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب مرجان نوروزی دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: مرجان نوروزی

تاریخ و امضا:

تقدیم به مهربان، مسموم که با مهر و جودش در شتی‌های مسیر برایم پرنیان ساخت.

مشکر و قدردانی

بر خود فرض می‌دانم که از

- جناب آقای دکتر قدرت اله طاهری که علاوه بر منت استادی، نعمت راهنمایی را نیز شامل عالم

نمودند؛

- جناب آقای دکتر ناصر نیکو بخت که به نام مشاور، صمیمانه مشوقم بودند؛

- آقایان دکتر حسینعلی قبادی، دکتر غلامحسین غلامحسین زاده و دکتر سعید بزرگ بیکدی که در محضرشان

علم و ادب آموختم؛

و دوستان و همکلاسی ام که در سایه محبتشان در کلاس زیرستم،

قدردانی و مشکر کنم.

چکیده

متون عرفانی از ارکان ادبیات فارسی است که مبخش عمده ای از ادبیات فارسی را به خود اختصاص داده است. مولانا یکی از درخشان‌ترین چهره‌های ادب عرفانی است و در مسیر رسیدن به این مرتبه، وامدار افکار و گفتار مندرج در آثار عرفانی پیش از خود است. هر شاعر یا عارف متأخر در بطن یک سنت فکری اثر خود را می‌آفریند و به نوعی وارد گفت‌گوی منطقی با گذشتگان می‌شود. متونی که از ابزار شناخت عرفانی بهره می‌گیرند به هم نزدیک‌اند. آثار مولانا نیز از متونی است که بر گفتمان‌های عرفانی بنا شده است؛ حجم زیاد تلمیحات و اشارات داستانی، آیات و احادیث، سخنان مشایخ صوفیه، مضامین و درون مایه و حتی تصاویر شعری گرفته‌شده از ادب فارسی و عربی و... همه حاکی از تعاملات چشمگیر بینامتنی در آثار مولانا است. در این پژوهش اقوال و کرداری که در مثنوی و آثار منثور مولانا بازتاب داشته‌اند در سه حوزه انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و خداشناسی دسته‌بندی و تحلیل شده و به ریشه‌های تأثیرپذیری و شیوه‌های بهره‌گیری مولانا از کلام مشایخ اشاره گردیده است. همچنین تفاوت نگرش مولانا نسبت به مشایخ قبل از خود در برخورد با اندیشه‌های واحد تحلیل شده که در آثار عارفان قبل از او نمود داشته بیان می‌شود. دسته‌بندی و بررسی گفتار و کردار مشایخ در این سه حوزه خود به نتایج جدیدی منجر گردید؛ از جمله این‌که بیشترین حجم استفاده مولانا از اقوال و افعال دیگر صوفیان در حوزه انسان‌شناسی قرار می‌گیرد. همچنین بررسی شیوه‌های بهره‌گیری مولانا از اقوال و افعال نشان داده می‌شود. بسامد نوع استفاده از اقوال و افعال در هر اثر متفاوت است و مولانا در مثنوی نسبت به کتب منثورش در افزودن اندیشه‌های خود به گفتار و کردار مشایخ و گرفتن نتایج خاصی که مورد نظرش بوده موفق‌تر بوده است. به نظر می‌رسد ریشه این تفاوت، تأخر زمان سرایش مثنوی نسبت به آثار منثور، نیز تفاوت در نوع کلام این آثار است؛ یعنی ظرفیت‌های زبانی شعر بستر مناسب‌تری نسبت به نثر، برای خلق نگرش‌های خاص مولانا فراهم آورده است.

کلید واژه: ادبیات عرفانی، بینامتنیت، گفت‌گوی انتقادی، تأثیرپذیری، مشایخ صوفیه، مولانا.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: تعاریف و کلیات	
۱-۱- بیان مساله	۱
۲-۱- سوالات تحقیق	۲
۳-۱- فرضیه‌ها	۲
۴-۱- پیشینه تحقیق	۳
۵-۱- روش کار	۵
۶-۱- اهداف تحقیق	۷
۷-۱- مقدمه	۷
۱-۲-۷- بینامتنیت	۱۰
۸-۱- افراد شاخص و تاثیرگذار بر مولانا	۱۲
۱-۸-۱- بها ولد	۱۳
۲-۸-۱- شمس	۱۴
۳-۸-۱- برهان الدین محقق	۱۶
۴-۸-۱- ابن عربی	۱۷
۵-۸-۱- سنایی و عطار	۱۸
فصل دوم: انسان شناسی	
۱-۲- در آمدی بر انسان شناسی	۳۲
۲-۲- انسان	۳۶
۱-۲-۲- انسان جوهر و اصل جهان	۳۶
۲-۲-۲- انسان جامع جمیع خوبی‌ها و بدی‌ها	۳۸
۳-۲-۲- سیر تطور انسان	۴۰
۴-۲-۲- ابعاد وجودی انسان	۴۳
۵-۲-۲- انسان کامل	۴۶

- ۴۹..... ۲-۳- انسان و خدا.....
- ۴۹..... ۲-۳-۱- انسان خلیفه الله.....
- ۵۴..... ۲-۳-۲- حج بایزید.....
- ۵۷..... ۲-۳-۳- کرامات شیخ اقطع.....
- ۶۰..... ۲-۳-۴- توبه فضیل.....
- ۶۲..... ۲-۳-۵- کرامات شیخ شیبان راعی.....
- ۶۳..... ۲-۳-۶- حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه.....
- ۶۵..... ۲-۳-۷- مرید شیخ حسن خرقانی.....
- ۶۷..... ۲-۳-۸- داستان ذوالنون و دوستان.....
- ۷۰..... ۲-۳-۹- کرامات شیخ عبدالله مغربی.....
- ۷۲..... ۲-۳-۱۰- ابراهیم و ملک بلخ.....
- ۷۷..... ۲-۳-۱۱- حلاج و انا الحق.....
- ۸۱..... ۲-۳-۱۲- سبحانی گفتن بایزید.....
- ۸۴..... ۲-۳-۱۳- حکایت شیخ محمد سررزی.....
- ۸۷..... ۲-۳-۱۴- بایزید و نخواستن.....
- ۸۸..... ۲-۳-۱۵- بها ولد و مریدان.....
- ۹۰..... ۲-۴- رنج.....
- ۹۰..... ۲-۴-۱- درون خاستگاه رنج.....
- ۹۱..... ۲-۴-۲- درد زمینه طلب.....
- ۹۳..... ۲-۴-۳- درد مطلوب.....
- ۹۵..... ۲-۵- عشق.....
- ۹۵..... ۲-۵-۱- بلا جویی عاشق.....
- ۹۷..... ۲-۵-۲- سلوک عاشق.....
- ۹۹..... ۲-۵-۳- عشق و پدیده‌های مشابه.....
- ۱۰۱..... ۲-۵-۴- عشق و یگانگی.....
- ۱۰۲..... ۲-۶- اخلاق.....
- ۱۰۳..... ۲-۶-۱- آفت معصیت.....
- ۱۰۵..... ۲-۶-۲- آفت مال.....
- ۱۰۷..... ۲-۶-۳- عبرت آموزی.....
- ۱۱۰..... ۲-۶-۴- مدح ستیزی.....

- ۱۱۲..... ۲-۶-۵- در نکوهش تکبر
- ۱۱۶..... ۲-۶-۶- مصاحبت و اندیشی
- ۱۱۷..... ۲-۶-۷- اندرزهای حکیم غزنوی
- ۱۱۹..... ۲-۶-۸- انسان کامل و اخلاق

فصل سوم : معرفت شناسی

- ۱۲۴..... ۳-۱- در آمدی بر معرفت شناسی
- ۱۲۷..... ۳-۲- شناخت
- ۱۲۹..... ۳-۲-۱- علم تحقیقی
- ۱۳۱..... ۳-۲-۲- بایزید و فقه الله
- ۱۳۳..... ۳-۳- منابع شناخت
- ۱۳۴..... ۳-۳-۱- عقل
- ۱۳۵..... ۳-۳-۲- حس باطن
- ۱۳۵..... ۳-۳-۲-۱- قصه کرامت ابراهیم ادهم بر لب دریا
- ۱۳۸..... ۳-۳-۲-۲- قصه مژده دادن بایزید زاده شدن ابوالحسن
- ۱۴۱..... ۳-۳-۲-۳- حکایت شیخ محمد سررزی
- ۱۴۴..... ۳-۳-۳- حسن باطن و وحی
- ۱۴۶..... ۳-۴- موانع شناخت
- ۱۴۸..... ۳-۴-۱- آرزو
- ۱۴۹..... ۳-۴-۲- حسد
- ۱۵۱..... ۳-۴-۳- کفر و ایمان
- ۱۵۵..... ۳-۴-۴- حرص

فصل چهارم: خداشناسی

- ۱۶۱..... ۴-۱- در آمدی بر خدا شناسی
- ۱۶۴..... ۴-۲- شناخت خدا
- ۱۶۴..... ۴-۲-۱- خدا شناسی شمس
- ۱۶۸..... ۴-۳- رابطه خدا با انسان
- ۱۶۹..... ۴-۳-۱- قاهر و مقهور
- ۱۷۰..... ۴-۳-۲- باقی و فانی
- ۱۷۴..... ۴-۳-۳- ظاهر و مظهر

۱۷۵..... ۴-۳-۴- عاشق و معشوق

۱۷۷..... ۴-۳-۵- خالق و مخلوق

فصل پنجم:

۱۸۰..... نتیجه گیری

فهرست منابع و مآخذ

فصل اول

مقدمه و کلیات

۱-۱- بیان مسأله

متون عرفانی یکی از ارکان اساسی ادبیات فارسی است چنان که با داشتن چهره‌های بزرگی چون خواجه عبدا... انصاری، حکیم سنایی غزنوی، عطار و... مقدار قابل توجهی از سرمایه ادبی ما را به خود اختصاص داده است. یکی از درخشان‌ترین این چهره‌ها مولاناست که به حق او را خداوندگار عشق و عرفان می‌خوانند. بی‌شک مولانا در مسیر رسیدن به این مرتبه وامدار افکار و گفتار مندرج در آثار عرفانی پیش از خود است. آثار پیشینیان منبع غنی برای تولید اندیشه و بروز خلاقیت ادبی است. مولانا در مثنوی معنوی و دیگر آثار خود از میراث فکری گذشتگان برای تأکید یا توضیح اندیشه‌های خود و نیز تکمیل اندیشه و خلق افکار جدید در پرتو نظریه‌های متقدمان استفاده‌های فراوانی کرده است.

به نظر می‌رسد مولانا در استفاده از اقوال و اندیشه‌های عارفان پیشین، شیوه برهان‌الدین محقق ترمذی را برگزیده است. دفاعی و توجیهی که او از شیوه برهان‌الدین در فیه مافیه می‌کند، مؤید این نظریه است. عین گفتار مولانا در فیه مافیه چنین است: «گفتند، که سید برهان‌الدین سخن خوب می‌فرماید اما شعر سنایی در سخن بسیار می‌آرد. فرمود، هم‌چنان باشد که می‌گویند: «آفتاب خوب است اما نور می‌دهد». این عیب دارد زیرا سخن سنایی آوردن، نمودن آن سخن است و چیزها را آفتاب نماید و در نور آفتاب توان دیدن مقصود از نور آفتاب آن است که چیزها نماید. آخر این آفتاب فرع و مجاز آن آفتاب حقیقی باشد»^۱ مولانا در حقیقت با بیان این انتقادی که از سید برهان‌الدین شده به طور ضمنی به توجیه استفاده‌های فراوان خود از اشعار سنایی می‌پردازد و

۱- بلخی، جلال‌الدین محمد؛ فیه مافیه؛ بدیع الزمان فروزانفر؛ چ چهارم؛ تهران: نشر نامک؛ ص ۱۲

صورت هنرمندانه و موجهی به بهره‌گیری‌های خود از کلام سنایی و دیگر عارفان و شاعران می‌بخشد. فرایند بهره‌گیری و استفاده از چنین سنتی در پژوهش‌های مولوی شناسی هنوز کاویده نشده است. در این پژوهش میزان و چگونگی بهره‌گیری مولانا از گفتار و کردار عارفان متقدم بررسی خواهد شد برای این منظور سعی خواهد شد به سؤالات زیر پاسخ بدهیم:

۱-۲- سؤالات تحقیق

۱- مولانا از اقوال و کردار کدام مکتب فکری صوفیانه بیشتر استفاده کرده است؟

۲- شیوه بهره‌گیری مولانا از گفتار و کردار مشایخ در آثارش چگونه بوده است؟

۳- آیا مولانا توانسته چیزی بر اندیشه گذشتگان بیفزاید؟

۱-۳- فرضیه‌ها

۱- به نظر می‌آید بسامد بهره‌گیری مولانا از گفتار و کردار مکتب فکری صوفیان خراسان بیشتر است.

۲- بهره‌گیری مولانا از گفتار و کردار مشایخ به شکل تلمیح، تأویل و تفسیر، تأکید و مناسبتی برای توضیح بیشتر و... نمود پیدا کرده است.

۳- مولانا ذهنی خلاق و آفرینشگر دارد و در اشاره به اقوال و کردار عارفان متقدم به مناسبت نقل آن‌ها اندیشه‌های بکری می‌آفریند.

۱-۴- پیشینه تحقیق

آثار مولانا به دلیل غنای فکری و ادبی‌شان از زوایای گوناگون تحلیل شده‌اند و همه ساله نیز بر دامنه این تحقیقات اضافه می‌شود؛ اما جنبه جدید بودن این پژوهش در بررسی چگونگی و فرایند بهره‌گیری از سنت فکری و ادبی قبل از خود است. در حوزه گفتار و کردار عارفان پیش از خود و نگاه خاص و تأویل و تفسیرهای متفاوت مولانا نسبت به گفتار و کردار مشایخ صوفیه قبل از

خود است و همچنین بررسی و دسته بندی اقوال و کردار مشایخ در سه حوزه «انسان شناسی»، «معرفت شناسی» و «خداشناسی» به نگاه جدیدی در این پژوهش منجر شده است. با این حال، آثاری تقریباً مشابه به این تحقیق در قالب پایان نامه یا مقاله علمی به صورت پراکنده و جزیی انجام شده است که به مهم ترین آن ها اشاره می شود:

۱- الله قلی، نیره؛ تأثیر سنایی بر مولوی؛ راهنما: اشرف زاده؛ دانشگاه آزاد اسلامی مشهد؛

۱۳۷۶

۲- جنگ آزمای، علی؛ شخصیت و اندیشه بایزید بسطامی و بازتاب آن در ادب فارسی در آثار

پنج تن از شاعران (سنایی، عطار، مولوی، سعدی و حافظ)

۳- حسن کلهری، شهلا؛ بازتاب اندیشه مشایخ صوفیان در مثنوی مولانا جلال الدین محمد

بلخی (بایزید، ابوسعید، سنایی، عطار) راهنما: جلیل تجلیل، دانشگاه آزاد، رودهن، ۱۳۸۱

۴- یزدانی، حسین؛ مقایسه مثنوی معنوی با حدیقه سنایی و بررسی تأثیر سنایی بر

مولوی؛ راهنما: محمد مهدی رکنی؛ فردوسی مشهد؛ ۱۳۸۴

فهرست مقالات

۱- شخصیت های تاریخی در مثنوی معنوی (محمد ابراهیم باستانی پاریزی، یغما، ش یازدهم،

س بیست و هشتم

۲- (۱۳۵۰) حسن سادات ناصری، ارتباط افکار خواجه مولانا و فخرالدین عراقی -وحید، ش

هشتم، دوره نهم

۳- (۱۳۵۰) حسن سادات ناصری، ارتباط افکار خواجه مولانا (مولانا و امیرحسین هروی)

وحید، هشتم، دور نهم

۴- (۱۳۸۰) عباس اطمینانی، تشابه اندیشه شیخ اشراق و مولوی، کیهان فرهنگی، ش

صد و هفتاد و هشتم، س هجدهم

۵- خواجه عبدالله انصاری و مولانا جلال الدین و بیان مناسبت مابین آن دو، بدیع الزمان

فروزانفر، دهخدا

۱-۵- روش کار

روش کار، توصیفی تحلیلی است. بدین ترتیب که پس از مطالعه آثار منشور مولانا و مثنوی به شناسایی اقوال و کردار مشایخ صوفیه و شاعران عارفی پرداخته شد. که در این آثار بازتابی داشتند. سپس شیوه‌های بهره‌گیری مولانا از این اقوال و کردار بررسی شد با این توضیح که مولانا، گاه به منظور تأیید یا توضیح سخن خود یا مناسبتی برای تفسیر سخن دیگران، نیز برای رفع کسالت مخاطب و حتی برای تیمن به سخن عرفا و شاعران عارف مسلک قبل از خود به ایما یا صراحتاً اشاره می‌کند. سپس به ریشه‌های تأثیرپذیری مولانا از کلام مشایخ دقت شد و در مواردی تأثیرپذیری‌های کلام مولانا در سطح زبانی و سطح معنایی مشخص گردید و شباهت‌ها و تفاوت‌های کلام مولانا نسبت به کلام مشایخ در هر دو سطح بررسی شد. در مرحله بعد گفتار و کردار عرفا در سه حوزه «انسان شناسی»، «معرفت شناسی» و «خدا شناسی» با توجه به مؤلفه‌ها و پرسش‌های اساسی هر بخش، بررسی و دسته بندی شد در مواردی که گفتاری از مشایخ در دو حوزه قابل بررسی بوده با ذکر علت در هر دو حوزه آورده شده است.

این تحقیق در پنج فصل تنظیم گردیده است:

فصل اول مقدمه و کلیات طرح تحقیق است. در این فصل توضیحاتی اجمالی در مورد بیان مسأله، سؤالات تحقیق، پیشینه تحقیق روش کار و اهداف تحقیق بیان شده است. همچنین در قسمت مقدمه نکاتی از قبیل ارتباط عرفان اسلامی و میزان وامداری مولانا از متصوفه و متکلمان پیش از او نقل شده است.

فصل دوم انسان‌شناسی است. ابتدا ذیل عنوان در آمدی بر انسان‌شناسی تعریف

انسان‌شناسی و انسان‌شناسی دینی آمده است و تفاوت نگرش به انسان در هر مکتب بیان شده

و همچنین پرسش‌ها و مؤلفه‌های اساسی انسان‌شناسی مشخص شده است. در این فصل که بیشترین حجم از گفتار و کردار مشایخ آمده است، شواهد یافت شده، ذیل عنوان‌های انسان، انسان و خدا، رنج، عشق و اخلاق قرار می‌گیرند، به عبارتی؛ در این فصل به انسان و ابعاد وجودی او نگریسته شده است. ذیل قسمت انسان به مصادیقی چون انسان کامل، انسان جوهر و اصل جهان، ابعاد وجودی انسان (روح و جسم) زندگی پیشادنیایی و پسادنیایی او اشاره شده است. در قسمت انسان و خدا که به عبارتی بررسی رابطه انسان و خداست به دو مفهوم فقر و فنا در لباس حکایات و کرامات مشایخ اشاره شده است. سپس زبان و محتوای حکایاتی که مولانا راوی آن هاست با همان حکایت در کتب دیگر صوفیان مقایسه و بررسی شده است. در قسمت بعدی با عنوان رنج، در قالب شواهدی به نکاتی چون، خاستگاه رنج، درد مطلوب و... اشاره شده است. عشق عنوان بعدی این فصل است که در قالب شواهدی به یکی از حالات متعالی انسان و پاره‌های از ویژگی‌های عشق و عاشق اشاره شده است. آخرین بخش از فصل انسان‌شناسی با عنوان اخلاق آمده است. در شواهد بررسی شده حسن و قبح را نه از صفات فعل که از مشخصات فاعل (انسان) به حساب آورده‌ایم و مباحث و آموزه‌های مرسوم اخلاقی را که مولانا به صورت هنرمندانه با تار و پود آراء صوفیانه و گفتارهای حکیمانه آمیخته مطرح کرده‌ایم.

عنوان فصل سوم معرفت‌شناسی است. پس از درآمدی کوتاه و اشاره به تعریف معرفت‌شناسی و ریشه آن و پرسش‌های اساسی مطرح شده در این حوزه، اقوال و کردار یافت شده در سه بخش شناخت، منابع شناخت و موانع شناخت بررسی شده است. در قسمت شناخت بین شناخت حقیقی و تقلیدی تفکیک و مقایسه‌ای شده است و در بخش منابع به عقل، حس باطن و ارتباط بین حس باطن و وحی اشاره شده است. در قسمت موانع شناخت از موانعی چون آرزو، حسد، کفر و ایمان و حرص ضمن شواهدی یاد شده است.

عنوان فصل چهارم خدانشناسی است. پس از درآمدی بر خدانشناسی به طرح اساسی‌ترین پرسش‌های این حوزه پرداخته شد. در این فصل طی دو بخش به بررسی شناخت خدا و رابطه خدا با انسان ضمن شواهدی پرداخته شد.

فصل پنجم نتیجه‌گیری است. در این فصل ضمن توجه به بسامدها، نتایج کار به کمک نمودارها ارائه شده است. الگوی ساختمان این پایان نامه بر اساس کتاب «بانگ آب» نوشته خانم سودابه کریمی بوده است.

۱-۶- اهداف تحقیق

۱. تبیین گفتمان واحد عرفانی پیشینیان که همه عرفا را به یک سمت و سوی فکری سوق می‌دهد.

۲. نشان دادن میزان تأثیرپذیری مولانا از اقوال و کردار عارفان متقدم.

۳. نشان دادن نبوغ فکری و هنری مولانا در این که اگر چه در بخش عمده آثارش، وامدار اندیشه دیگران است اما هرگز اسیر متون قبل از خود نمی‌شود و خود مبتکر و مبدع اندیشه‌های نوین عرفانی است.

۱-۷- مقدمه

عرفان اسلامی نوع خاصی از برداشت و جهان‌نگری دینی است که با رویکردی هنرمندانه در پی ارائه تفسیری از جهان، خداوند و انسان است. پس عرفان اسلامی را می‌توان نوع خاصی از گفتمان دینی به حساب آورد. گفتمانی که در طی آن عارف با ابزار تجربه‌های هنری و خلاق خود به دین و مذهب نگاه می‌کند و به آن وجهه هنری می‌بخشد و مانع از تکراری شدن تجربه‌های دینی می‌شود. به عبارت دیگر؛ پیامد این گفتمان نگاه خاص عرفان است که سبب نو کردن و خاص جلوه کردن دین می‌شود. «عرفان چیزی نیست مگر نگاه هنری و جمال‌شناسانه نسبت به الهیات و

دین» از این چشم‌انداز، هیچ دین و مذهبی وجود ندارد که در آن نوعی «عرفان» وجود نداشته باشد حتی اگر کسانی باشند که به هر دلیلی، یک دین و مذهب جدید را «اختراع» کنند و عده‌ای هم به طور مفروض، بدان مذهب و دین «ایمان» بیاورند، پس از مدتی خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. ۱- آن‌ها که این دین و مذهب را با نگاهی جمال‌شناسانه و هنری به قول قدما - ذوق‌ها می‌نگرند. اینان عارفان آن دین و مذهب خواهند بود. ۲- آن‌ها که چنین نگاه هنری و جمال‌شناسانه‌ای نسبت به آن دین ندارند. چنین کسانی بیرون از دایره عرفان آن دین و مذهب قرار خواهند داشت. بر این اساس، هیچ دین و مذهبی در تاریخ ظهور نکرده مگر این که بعضی از پیروان آن در شمار عارفان آن مذهب قرار داشته‌اند. به تعبیر دیگری، هیچ دین و مذهبی وجود ندارد که در آن نوعی عرفان وجود نداشته باشد.^۱

آثار ادبی بر اساس نظام‌ها، رمزگان‌ها و سنت‌های ایجاد شده توسط آثار پیشین بنا می‌شود و با مطالعه ادبی تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌ها آشکار می‌شود. عامل مؤثر در تولید و درک متن، جهان‌بینی، شناخت و در نهایت ابزارهای شناختی هستند که نویسنده یا گوینده از آن‌ها استفاده می‌کند. متونی که از ابزار شناخت عرفانی بهره می‌گیرند، خیلی به هم نزدیک‌اند. در این بین، آثار مولانا نمونه متونی است که بر گفتمان‌های عرفانی بنا شده است. حجم زیاد تلمیحات و اشارات داستانی، آیات و احادیث، سخنان مشایخ صوفیه، مضامین و درون‌مایه‌ها و حتی تصاویر شعری مأخوذ از ادبیات فارسی و عربی، ضرب‌المثل‌ها، حکایت‌ها و باورهای اخذ شده از متن شفاهی فرهنگ مردم همه حاکی از تعاملات چشمگیر بینامتنی در آثار مولانا است. که این موارد پس از عبور از صافی ذهن خلاق مولانا ساختار نو و مضمونی بکر می‌یابد به گونه‌ای که صورتی کاملاً متفاوت به خود می‌گیرد در این پژوهش پس از توضیح و بررسی مفهوم و «بینامتنیت»، به بررسی این مطلب خواهیم پرداخت که مولانا تا چه حد وامدار متصوفه و متکلمان پیش از خود است.

۱- سهلگی، محمدبن علی؛ دفتر روشنایی؛ محمدرضا شفیعی کدکنی؛ چ دوم؛ تهران: سخن؛ ۱۳۸۴؛ صص ۱۷ و ۱۸

مناسبات بینامتنی در حکم حلقه‌های رابط اجزای سخن است. مجموعه دانشی است که به متن امکان می‌دهد تا معنا داشته باشد. بدین ترتیب مرزهای هر متن یا اثر ادبی محدود و محصور نخواهد بود، چرا که در ورای عنوان اولین سطر و آخرین نقطه‌اش و خارج از پیکر بندی درونی و چارچوب مستقل‌اش در حکم نظامی از ارجاعات به کتاب‌های دیگر، متون دیگر و جملات دیگر است. اصطلاح «بینامتنیت» (intertextuality) یا تعامل و مناسبات بینامتنی، که اکنون در گفتمان ادبی، اصطلاحی رایج و متداول است، اغلب بر کاربرد آگاهانه متنی در خلال متن دیگر اطلاق می‌شود. بر این اساس هر متنی برخاسته و شکل یافته از متون پیش از خود و خوانندگان خود است. از این رو هر اثر، بازخوانشی از آثار پیشینیان است.

«برخی اعتقاد دارند بحث مناسبات بینامتنی در نظریه ادبی فرمالیست‌ها ریشه دارد. به نظر آنان یکی از نتایج رویکرد خاص شکلوپسکی به هنر، که در مقاله، هنر همچون شگرد نشان داده شده است، پیدایش نظریه بینامتنی است، چرا که در نظر او انگاره‌ها و صور خیالی که شاعران به کار می‌برند، تقریباً بی‌هیچ دگرگونی از اشعار دیگران به وام گرفته شده است.»^۱ «شکلوپسکی سپس با تأیید این حکم فردیناند برونه نیز که در میان تمامی اثرپذیری‌های هنری تأثیری که متنی ادبی از متن دیگر می‌گیرد مهم‌ترین است به این مطلب اشاره کرد که در فهم مناسبات بینامتنی همانندی‌های شگرد شناسی و شباهت‌های روش بیان و نزدیکی‌های زبانی اهمیت دارند نه تشابه صور خیال. در نظر او اثر هنری از آثار هنری پیشین و در پیوند با آنان پدید می‌آید. شکل اثر هنری به دلیل رابطه‌اش با سایر آثار هنری که پیش از آن وجود داشتند، تعریف و شناخته می‌شود. همچنین هدف شکل تازه این نیست که محتوایی تازه را

۱- احمدی، بابک؛ ساختار و تأویل متن؛ چ سوم؛ تهران: نشر مرکز؛ ۱۳۷۵؛ ص ۵۸